

سیاست پژوهی تجردگرایی: مطالعه کیفی Policy Research on Singleness: a qualitative study

Mojtaba vazini Afzal *

M.A. in Human Recource Management,
 University of Tehran College of Farabi, Qom, Iran.
Mojtaba.vazini16@gmail.com

Dr. Manizheh Firoozi

Assistant Professor, Department of Psychology,
 Faculty of Psychology and Educational Sciences,
 University of Tehran, Tehran, Iran.

Mohammad keshavarz

Ph.D Student in Management of Organizational
 Behavior , University of Semnan, Semnan, Iran.

مجتبی وزینی افضل (نویسنده مسئول)

کارشناس ارشد مدیریت منابع انسانی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

دکتر منیژه فیروزی

استادیار، گروه روان شناسی، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

محمد کشاورز

دانشجوی دکتری مدیریت رفتار سازمانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

Abstract

Singleness is spreading in Iranian society and has begun to increase in all cities. The beliefs and attitudes of girls and boys are influential in living as a single person. In the present study, the attitudes and beliefs of single young people were studied about this phenomenon. The present study was a research policy by Graoundeded Theory. The process of study was done through interviews with twenty-nine single people living in Qom city to answer the question, what do you think about getting married? The findings of this study showed that boys and girls look at this phenomenon from a different perspective. For example, boys showed ambivalence toward marriage and girls demonstrated a positive attitude, boys look at married as both affective and rational versus girls who looked just rationalism to marriage. Boys were self-centered and girls were passive. In both sexes, perfectionism and dehumanization of the partners were reported. The results of the study open a new window for politicians who attention to cultural and psychological contexts for management of singleness.

Keywords: research policy, singleness, bi-cultural, modern culture, gender differences.

چکیده

تجرد گرایی در جامعه ایرانی رو به گسترش است و در تمام شهر ستانها شروع به ازدیاد کرده است. باورها و نگرشهای دختران و پسران در این مورد تاثیر گذار است. بدون قضاوت در مورد ماهیت این پدیده، در پژوهش حاضر، نگرشها و باورهای جوانان مجرد مورد مطالعه قرار گرفت. تحقیق حاضر یک سیاست پژوهی بود و با نظریه داده بنیاد و از طریق مصاحبه با بیست و نه نفر از افراد مجرد ساکن شهر قم به این سؤال پاسخ می دهد که به نظر آنها علت تجرد چیست و چه نگرشی نسبت به ازدواج دارند؟ یافته های این تحقیق نشان داد که پسران و دختران از زوایای مختلفی به این پدیده می نگرند. به طور مثال، دو سوگرایی پسران در مقابل نگرش مثبت دختران به ازدواج، عاطفه گرایی و عاطفه زدایی پسران در مقابل عاطفه زدایی دختران، خودمحوری در پسران و موضع منفعلانه در دختران مشاهده شد. در هر دو جنس، کمالگرایی و انسانی زدایی از همسر فرضی بارز بود. نتیجه این که برای سیاست گذاری کلان برای ازدواج توجه به بافت فرهنگی و روان شناختی همزمان مورد نیاز است.

واژه های کلیدی: سیاست پژوهی، تجرد، دو فرهنگی، فرهنگ مدرن، تفاوت های جنسیتی.

ویرایش نهایی: مرداد ۹۹

پذیرش: خرداد ۹۹

دریافت: دی ۹۸

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

با روند افزایشی سن ازدواج و کشش جوانان به سمت تجردگرایی، جامعه با چالش های زیادی مواجه شده و امنیت خانواده ها به مخاطره افتاده است و همچنین این روند می تواند آسیب های دیگری را نیز به همراه داشته باشد (فولادی، ۱۳۹۳). پدیده تجرد فی نفسه یک مسئله فردی و یا حداکثر خانوادگی است اما در شرایط کنونی جامعه ایران یک مسئله عمومی تلقی می شود. در بسیاری از مکاتب سیاسی دولت تنها موظف است در حل مسائل عمومی دخالت کند. مسائل خصوصی و خانوادگی در حیطه وظایف دولت قرار نمی گیرد و نباید در آنها دخالت کند. منظور از مسئله عمومی، مسئله ای است که باعث رنج و ناراحتی عده ای از افراد جامعه شده است اما خود آنها بدون کمک دولت، قادر به رفع آن رنج و ناراحتی نیستند (اندرسون، ۲۰۱۱). امروزه بسیاری از صاحب نظران ایرانی معتقدند که تجرد

Policy Research on Singleness: a qualitative study

یک مسئله عمومی است. زیرا شرایط مشکل‌زایی را برای بخش قابل توجهی از جوانان ایجاد کرده است که خود به تنهایی قادر به حل آن نیستند و تبعات و پیامدهای آن سلامت فردی، خانوادگی و اجتماعی جامعه را تهدید می‌کند (صادقی، قدسی و افشارکهن، ۱۳۸۶). سیاست پژوهی ابعاد، مؤلفه‌ها، متغیرهای کلیدی، عوامل و موانع پیدایش مسئله را آشکار کرده، اطلاعات ارزشمندی را در مورد وضعیت فعلی مسئله و عوامل محیطی مرتبط با آن فراهم می‌کند. به نظر اتریونی^۱ (۱۹۷۱) سیاست پژوهی با تحقیقات بنیادی و کاربردی تفاوت دارد زیرا تلاش می‌کند به این سؤالات پاسخ دهد که بهترین تصمیم چیست و چطور می‌توان تغییری را در وضعیت مسئله ایجاد کرد که از نظر اقتصادی و سیاسی امکان‌پذیر باشد (میرزمانی، اسحاقی و کدخدا، ۱۳۹۸). در واقع سیاست پژوهی یک نوع روش تحقیق در سیاست است که همانند پلی در بین سیاست‌گذاران و اندیشمندان علوم مختلف جهت تسریع در توسعه جامعه و بهینه کردن آثار سیاست‌های اتخاذ شده قرار می‌گیرد. در سالهای گذشته، پژوهشگران زیادی به استفاده از پژوهش در امر سیاست‌گذاری علاقه‌مند شده‌اند. این روند به گونه‌ای گسترش یافته است که باعث شکل‌گیری پارادایم جدیدی در امر سیاست پژوهی شده است که ویژگی آن افزایش ارتباط بین بخش‌های دولتی خطی‌مشی‌گذاری و رشته‌های مختلف دانشگاهی است (قلی‌پور، ۱۳۹۶). در پژوهش‌های گذشته هیچکدام از رویکرد سیاست پژوهی برای فهم پدیده تجردگرایی استفاده نکرده است و تحقیق حاضر برای پرکردن این خلاء پژوهشی انجام شد. دلیل انتخاب شهر قم که شهری سنتی و با نگرش‌های مذهبی است این بود که این پدیده در بافتی متفاوت با بافت مدرن و دموکراتیک کلان شهرها مطالعه شود؛ با این پیش فرض که ممکن است بافت اجتماعی در شکل‌گیری نگرش افراد تأثیری داشته باشد.

جهانبخشی و قمی (۱۳۹۵) نشان دادند که بیکاری، نداشتن درآمد کافی، نگرانی در مورد هزینه‌های زندگی، تأکید بر داشتن مسکن و خودرو پیش از ازدواج، استقلال مالی، گسترش روابط ناسالم بین دختران و پسران، کاهش اعتماد به طرف مقابل، گسترش فرهنگ تجمل‌گرایی، تأکید بر داشتن شغل مناسب با مدرک دانشگاهی، مسئولیت‌پذیر نبودن افراد برای اداره زندگی، به ترتیب از مهم‌ترین و الویت‌دارترین، و نگرانی از ضعف و ناتوانی جنسی، تأکید والدین بر انتخاب همسر از بین آشنایان، و خدمت سربازی پسران از کم‌اثرترین عوامل در افزایش سن ازدواج دانشجویی شناخته شدند.

عباس‌زاده و نیکدل (۱۳۹۵) به مطالعه ۲۰ دختر بالای ۳۰ سال پرداختند. نتایج نشان داد که زمینه‌های بازدارنده ازدواج دختران بسیار وسیع‌تر از عوامل عمومی ارائه شده است و جبر اجتماعی در آن مؤثر است. فیروز، کاظمی پور و رنجبر (۱۳۹۳) گزارش دادند در بین متغیرهای مورد بررسی، متغیر اثرگذار بر سن ازدواج دختران، دسترسی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی مهم‌ترین متغیر بود و بعد از این متغیر، متغیرهای اختلاف نگرش دختران با والدین و نیز توقعات اجتماعی بیشترین سهم را در افزایش سن ازدواج دختران دارند. این در حالی است که متغیرهای توقعات اقتصادی و پایگاه اقتصادی اجتماعی والدین نقش بسیار ناچیزی در افزایش سن ازدواج دختران دارد. مرادی و صفاریان (۱۳۹۱) گزارش کردند که عواملی مانند نگرش افراد به برابری جنسیتی، میزان تحصیلات، سبک فرزندپروری، سطح انتظارات، میزان سخت‌گیری والدین، میزان لذت بردن از مجردی، و میزان زمان صرف شده در شبکه‌های اجتماعی در انتخاب سبک زندگی مجردی تأثیرگذار بود.

به عقیده حبیب پورگنابی و غفاری (۱۳۹۰) دخترانی که دیرتر ازدواج می‌کنند، از تحصیلات بالاتری برخوردارند، نگرش فرا مادی به ازدواج دارند و اعتقاد بیش‌تری دارند که با ازدواج، هزینه فرصت‌های از دست رفته بیش از فرصت ازدواج است. دلالت نتایج بر آن است که همراه با تجربه مدرنیته در سطوح کلان، میانی و خرد، چنانچه این تجربه بدون سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب حاصل گردد و از طرفی شرایط جامعه چه به لحاظ اقتصادی و چه به لحاظ اجتماعی - فرهنگی آمادگی پذیرش چنین تحولاتی را نداشته باشد، تبعات منفی آن بیش از دستاوردهای مثبت آن خواهد بود.

جیانگ، فلدمن و لی^۲ (۲۰۱۴) مزیقه ازدواج را در چین برای سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۶۰ پیش‌بینی نمودند. آن‌ها با استفاده از جدول عمر تعداد مردان ۵۰ ساله ازدواج نکرده را برای سال‌های آتی محاسبه نمودند. این مطالعه پیش‌بینی می‌کند که وجود ملازاد مرد، استراتژی‌های مهمی برای پیدا کردن همسر ایجاد خواهد کرد و بسیاری از مردان برای یافتن همسر به سراغ زنان جوان‌تر خواهند رفت. همچنین تنگنای ازدواج احتمالاً به افزایش بعضی از جریان‌های غیرمعمول ازدواج (مانند ازدواج‌های پایاپای، ازدواج‌های پولی و عروسان کودک) منجر خواهد گردید.

^۱ . Etzioni

^۲ . Jiang, Feldman & Li

گیلموتو^۱ (۲۰۱۲)، با به کارگیری روش مبتنی بر کوهورت تولد دو جنس، به بررسی چولگی نسبت جنسی در بدو تولد در دو کشور چین و هند پرداخت. این مطالعه از وجود تنگنای ازدواج در آینده در این دو کشور حکایت دارد. در مطلوب‌ترین دورنمای تصویر شده، تعداد مردان در سن ازدواج در هر دو کشور هند و چین از تعداد زنان در سن ازدواج در هر سه دهه از ۵۰ درصد تجاوز خواهد کرد. بر خلاف این دو کشور آسیایی، سیمسون^۲ (۲۰۱۶) بیان داشت که اگرچه تجرد در کشوری مانند بریتانیا رو به گسترش قابل ملاحظه‌ای است، اما زنان دوره طولانی تری از تجرد را تجربه می‌کنند و این به دلیل ساختارهای تغییر شکل یافته‌ای است که دیگر هویت افراد را تکالیف سنتی مانند همسر شدن و والد شدن تعیین نمی‌کند.

در کشورهای شرقی علاقه مردم به داشتن فرزند پسر و از بین بردن جنین دختران در مرحله‌ای از تاریخ این کشورها سبب شده بود تا توازن جمعیت بهم بخورد؛ اما نگاهی به ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد در کشورهای غربی، دو رویداد بزرگ مذهبی (هیمائون، بامبلینگ و ادیریپولینگ^۳، ۲۰۱۸) و فمینیستی (جورتاج، یودین، هوگارد، سورنسن و نوردتاف^۴، ۲۰۱۹) عواملی بودند که در بروز این پدیده مؤثر بوده‌اند. از نظر مذهبی، تجرد قسمتی از تشریف به زندگی بی‌ریا و به دور از هوا و نفسانیات دنیایی است. از سوی دیگر جریان فمینیستی با هجوم به دیدگاه‌های سنتی نسبت به زنان و تغییر سبک زندگی آنها موجب راه‌اندازی مسئولیت‌گریزی و اجتناب از پذیرش وظایف سنتی همسر بودن و والد بودن شد (کمپیل^۵، ۲۰۱۶). این جریان که البته امروزه موجب خشم زنان هم شده است، به بروز تجردگرایی در جامعه غربی دامن زد. برخی از مفسران نیز تجردگرایی را حاصل فرهنگ جهانی و یکپارچگی فرهنگی در سراسر دنیا دانسته‌اند که ریشه در لرزل چهارچوبهای سنتی دارد (فرانچینی^۶، ۲۰۲۰).

برای برنامه‌ریزان سیاست در ایران مهم است تا ارزیابی کنند که تجردگرایی در ایران با توجه به ساختار فرهنگی آن دارای چه معنای منحصر به فردی است. بررسی چنین موضوعی تنها از زاویه جامعه‌شناختی و مدیریتی کفایت نمی‌کند و شناخت ابعاد روان‌شناختی آن از اهیت ویژه‌ای برخوردار است. پس نیاز است تا این پدیده در بافت اجتماعی و سیاسی ایران مورد مطالعه قرار گیرد. از سوی دیگر مطالعات اندکی انجام شده که دلایل تجرد را در جوانان ایرانی مطالعه کند. به همین علت، در پژوهش حاضر تلاش شد تا دلایل ازدواج نکردن مردان و زنان مجرد مورد مطالعه قرار گیرد. با توجه به مطالب فوق، هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال بود که به نظر افراد مجرد علت تجرد آنها چیست؟

روش

این پژوهش بر اساس معیار هدف بنیادی و کاربردی است، زیرا با هدف کشف، توصیف، تبیین و گسترش دانش و همچنین اشاعه و کاربرد نتایج حاصل از پژوهش در زمینه علل تجردگرایی به ارائه راهکارهای کاربردی در این زمینه پرداخته می‌شود. به منظور تحقق هدف مذکور، از رویکرد سیاست‌پژوهی و روش تحقیق کیفی استفاده شده است. در رویکرد کیفی با استفاده از رویکرد تفسیرگرایی علل تجرد گرایی جوانان به عنوان عامل اصلی تولید دانش، باز شناسی می‌گردد و با استفاده از رویکرد داده بنیاد^۷ به ارائه نظریه در زمینه مذکور پرداخته می‌شود. با توجه به قلمرو موضوعی، جامعه آماری این تحقیق در هر رویکرد کیفی تمام جوانان مجرد اعم از دختر و پسر در شهر قم هستند. نمونه‌گیری در بخش کیفی از نوع نمونه‌گیری هدفمند و نظری است و با توجه به شاخص اشباع نظری انجام شد. به عبارت دیگر افرادی به صورت هدفمند انتخاب شدند که در رابطه با موضوع و اهداف پژوهش نمونه‌های بارز به شمار آمده و از اطلاعات ارزشمندی برخوردار بودند (گال، بورگ و گال^۸، ۱۳۸۳). تعداد کل نمونه پسران ۱۳ نفر هستند. در این جدول طیف سنی بین ۲۳ تا ۳۸ سال هستند. ۴ نفر از این افراد بیکار، یک نفر آموزگار و بقیه در شرکت‌های خصوصی مشغول به کار بودند. شغل مادر همه این افراد خانه‌دار و شغل پدران این افراد در صنایع مختلف تا بازنشستگی بود. تعداد کل نمونه دختران ۱۶ نفر بودند که از رده سنی ۲۵ تا ۴۲ سال بودند. ۷

1. Guilimoto

2. Simpson

3. Himawan, Bambling & Edirippulige

4. Hjorthoj, Uddin, Hougaard, Sorensen & Nordentoft

5. Campbell

6. Francioni

7. grounded theory

8. Gal, Borg & Gal

Policy Research on Singleness: a qualitative study

نفر از آنها بیکار و بقیه شاغل بودند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختار یافته استفاده گردید. هر مصاحبه بین ۳۵ دقیقه تا ۴۵ دقیقه به طول انجامید. این مصاحبه‌ها در بهار و تابستان سال ۱۳۹۷ انجام شد. مصاحبه‌های انجام شده در شهر قم به صورت حضوری صورت گرفت. تجزیه و تحلیل در بخش کیفی روش نظریه داده بنیاد است. ابتدا تمامی مصاحبه‌های انجام شده بوسیله نرم‌افزار واژه پرداز تایپ شده و بر اساس سؤالاتی که مطرح شده بود، از روی ضبط صوت پیاده و خط به خط مورد بررسی قرار گرفته و سپس تحلیل‌ها به بوسیله سه نوع کدگذاری باز، محوری و انتخابی آغاز شد.

یافته‌ها

الف - پسران

ابعاد پدیده تجرد در میان پسران

در این تحقیق منظور از دوران تجرد، دوران قبل از ازدواج تمامی پسرانی است که از آمادگی جسمی لازم برای ازدواج برخوردارند. این مطالعه نشان داد که بیش از نیمی از پسران مصاحبه شونده در سنین ۱۷ و ۱۸ سالگی و مابقی نیز حداکثر تا سن ۲۴ سالگی به ازدواج فکر کرده‌اند. به نظر دختران مناسب‌ترین سن ازدواج بین ۱۸ تا ۲۶ سال برای دختران و ۲۵ تا ۳۳ سال برای پسران بود. به نظر پسران سن مناسب ازدواج بین ۲۸ تا ۳۲ برای پسران و بین ۲۳ تا ۲۷ برای دختران بود. در جدول ۱ برخی از ویژگیهای جمعیت شناختی شرکت کننده‌ها در پژوهش گزارش شده است.

جدول ۱. توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه

متغیر	فراوانی
جنسیت	مرد ۱۳
	زن ۱۶
سن	۲۰ تا ۳۰ سال ۱۲
	۳۰ تا ۴۰ سال ۱۶
وضعیت شغل	شاغل ۱۷
	بیکار ۱۲

در مورد نقش بلوغ جنسی در ازدواج دو دیدگاه مشاهده شد. به نظر یک عده بلوغ جنسی شرط لازم و کافی برای ازدواج بود. به نظر عده دیگر بلوغ جنسی شرط لازم و بلوغ فکری (یا اجتماعی، مالی، فرهنگی) شرط کافی برای ازدواج بود. مثلاً به نظر یکی از پیروان این دیدگاه "بعد از بلوغ [جنسی] یک حالتی پیش می‌آید که دوست داری ازدواج کنی ... [اما] ... باید جلوی این احساسات را گرفت تا اینکه ... به بلوغ فکری برسی". و به نظر دیگری سن مناسب زمانی است "که [پسر] واقعا احساس کند پول تو جیبش است ... که بتواند گلیم خود را از آب بیرون بکشد".

تقریباً همه مصاحبه‌شوندگان باور داشتند که در سنین پایین نگاه به ازدواج، یک نگاه احساسی است. اما برخی با ازدواج احساسی مخالف و برخی دیگر موافق بودند. گروه دوم ادعا می‌کردند که "با دید احساسی بهتر می‌توان ازدواج کرد ... همچنین، افزایش سن به دلیل ایجاد حساسیت روی یک سری از مسائل"، ایجاد توانایی "شناخت بهتر دخترها"، "عادت به زندگی مجردی" و "یادگرفتن راه برطرف کردن نیازها" ازدواج را دشوارتر می‌کند. مثلاً یکی از آنها که ۳۲ سال داشت، می‌گفت که حالا برای انتخاب همسر "همه جوانب را در نظر می‌گیریم ... تجربه خواه یا ناخواه بالا می‌رود ... دقیق‌تر و ریزبین‌تر میشی ...".

در مورد هدف از ازدواج چند دیدگاه مشاهده شد. به نظر برخی از این افراد هدف از ازدواج، آرامش همراه با کمال و برخی دیگر لذت‌جویی بود. به نظر یک عده دیگر، هدف دستیابی به آرامش همراه با لذت بود.

پسران مصاحبه شونده معیارهای گوناگونی برای انتخاب همسر آینده خود داشتند که تناسب سنی، ظاهر، تناسب اقتصادی، احترام به خانواده همسر، تحصیلات، اخلاق، سازگاری، تفاهم، عدم سلب آزادی، عدم خیانت، قانع بودن، دوست داشتن یکدیگر صرف نظر از نیازهای جنسی از جمله آنها بود. با این حال پرتکرارترین معیار آنها تناسب فرهنگی بود که در قالب مفاهیمی چون تناسب خانوادگی، هم زبانی،

سبک زندگی یکسان، تناسب فرهنگی و قومیتی و عقیدتی و ایمان، تقوا، معرفت و حجاب بیان شد. به عنوان مثال یکی از آنها می‌گفت "من از خانواده‌هایی که پدر سالار هستند خوشم می‌آید اما این [دختری که به خواستگاریش رفته بودم]، علی‌رغم اینکه پدر سالار بودند و خانواده خوبی هم بودند اما دختر عقایدش [از] غرب‌گرایی [هم] آن طرف‌تر بود [مثلا می‌گفت که من باید حداقل سالی ۴-۵ بار] تنها با دوستانم شمال برم".

در مورد نحوه‌ی آشنایی با همسر آینده نیز دو نوع نگاه مشاهده شد. یک عده باور داشتند که آشنایی باید از طریق خانواده‌ها و تحت نظارت آنها و در طی چند جلسه ملاقات بین پسر و دختر رخ دهد. به نظر یک عده دیگر داشتن ارتباطات دوستی نزدیک لازمه ازدواج بود.

نقش باورها و ارزش‌های اقتصادی در مجرد پسران

اکثر قریب به اتفاق پسران مصاحبه‌شونده ادعا می‌کردند که شایع‌ترین علت مجرد مسائل اقتصادی است. آنها معتقد بودند که اولین شرط برای ازدواج، داشتن شغل است. بیکاری و نداشتن شغل دومین عامل اصلی مجرد پسران است. سوم، صرف داشتن کار مهم نیست و باید درآمد کافی باشد. چهارم، برخورداری از امنیت شغلی مهم‌تر از خود شغل است. پنجم، دولت می‌تواند و باید شغل و امنیت شغلی افراد را تضمین کند. ششم، هر پسری ابتدا باید یک سری از امکانات را تأمین کند و سپس به سراغ ازدواج برود. برخی از اظهارات آنها عبارت بود از:

"من اولین چیزی را که برای ازدواج موفق [لازم] است را برآورده کرده‌ام [یعنی] شغلی که وجه اجتماعی داشته باشد".
"من طبیعتاً تا اوضاع کارم درست نشود خواستگاری نمی‌روم حتی به قیمت اینکه این دختر [ی] را که به او علاقه دارم را از دست بدهم ... واقعیت این است که اوضاع مالی در زندگی‌های امروز خیلی تعیین کننده است".
"یک حقوق حداقلی جواب نمی‌دهد و الان هیچ کس سمت ازدواج نمی‌رود".
"امنیت شغلی خیلی واجب است حتی از حقوق بالا هم مهم‌تر است، اینکه دغدغه نداشته و بتوانی روی همان حقوق برنامه‌ریزی داشته باشی".

"... قبل از ۳۰ سالگی شما انرژی جوانی‌ات را بگذار کار کن به قول معروف پول جمع کن، خانه بخر، وسیله نقلیه بخر که دغدغه این چیزها را نداشته باشی ... [اگر] این چیزها را نداشته باشی در زندگی به مشکل می‌خوری".
تعدادی از مصاحبه‌شوندگان ادعا می‌کردند حاضر نیستند هر کاری را انجام دهند تا بتوانند ازدواج کنند. مثلاً یکی از آنها می‌گفت "شاغل بودم، درآمدش کم بود ول کردم ... چرا آدم باید تن به بیگاری بدهد. ... من یک آدم معمولی رو به بالا هستم و کار کردن چند شیفت برایم سخت است مگر چقدر توان دارم". و دیگری می‌گفت "هیچ علاقه‌ای ندارم که بخوام جان بکنم و پول در بیاورم که ازدواج کنم".

نقش سایر عوامل در مجرد پسران

مصاحبه‌شوندگان این تحقیق بازگو می‌کردند که در کنار اقتصاد، عوامل زمینه‌ای دیگری نیز وجود دارند که به پدیده مجرد در میان پسران دامن می‌زنند که تمایل به آزادی و فرار از مسئولیت‌پذیری، ضعف گذشت، سوء برداشت نسبت به دختران و خانواده‌های آنها و تجربیات و دیدگاه‌های خانواده و دوستان از جمله آنهاست.

خودمحوری و قیاس خود با الگوهای ناموفق

به نظر برخی از مصاحبه‌شوندگان یکی از علل مجرد، ضعف گذشت و ایثار است. به طور مثال، پاسخگویی اظهار کرد که "امروزه [افراد] مغرورتر شده‌اند، خودمحورتر شده‌اند و فرهنگ از خودگذشتگی و ایثار کمرنگ‌تر شده است. همه می‌خواهند حرف خودشان را به کرسی بنشانند".

اکثر مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که خانواده‌ها نقش مهمی را در مجرد ایفا می‌کنند. یکی از آنها معتقد بود که "اگر سنگ اندازی خانواده‌ها نباشد، زندگی خیلی زود سر و سامان می‌گیرد". به نظر یکی دیگر "بعضی مواقع پدر و مادر یک کارهایی در خانه انجام می‌دهند، بگو و مگوهایی صورت می‌گیرد، که انگار درس عبرتی است ... [آدم] به خودش می‌گوید که تو می‌خواهی ازدواج کنی آخرش این می‌شود؟". عده کمی نیز معتقد بودند که نقش خانواده در مجرد فرزندان‌شان اندک است. در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان ادعا می‌کرد که " [اینکه] پدر بیاید برای من زن بگیرد دوره‌اش گذشته. از نظر من، الان هیچ کس نمیتواند کسی را مجبور به کاری کند. آخرش این است که پیشنهاد می‌دهد و کسی را معرفی می‌کند آن کسی که اول و آخر باید تصمیم بگیرد، خودم هستم".

Policy Research on Singleness: a qualitative study

برخی از مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند که دیدگاه‌ها و تجربیات دوستان و آشنایان نقشی در تجرد آنها نداشته، اما به نظر برخی دیگر نقش داشته است. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گفت "همکارها [بیم که] ... ازدواج کردند و راضی هستند و می‌گویند زندگی متأهلی خیلی تفاوت دارد و این یک مشوق برای من بوده". یکی دیگر ادعا می‌کرد که "نقش دوست‌ها خیلی پررنگ بوده، ... از [امیان] دوست‌هایی که داشتم ... ۳۰ درصد از ازدواج راضی بودند و ۷۰ درصد ... ناراضی ... می‌آیند خاطره‌های بد زندگیشان را تعریف می‌کنند اینها هر کدام به نوبه خودش یک تاثیر منفی دارد". یکی دیگر می‌گفت "طلاق‌هایی که در اقوام دیدم ... من را ترسانده و باعث شده که من تن به ازدواج ندهم".

نگرش پسران به روابط خارج از عرف و شرع

اکثریت قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان ضمن تأیید وجود ارتباطات نامشروع، از اعلام آن ابراز انزجار می‌کردند و بیان می‌داشتند که روابط خارج از چارچوب ازدواج رسمی مانع ازدواج است. یکی از آنها در پاسخ به این سوال که "اگر شرایط ارتباطات خارج از چارچوب برای شما مهیا شود، انجام می‌دهید"، گفت "من مخالف این [موارد] هستم چون از نظر شرعی مشکل دارد". یکی دیگر ادعا می‌کرد که من مخالفم "اگر ازدواج هم نشد، تا آخر عمر لااقل دنیایم را به آخرتم نفروختم. چون این کارها آخر عاقبت ندارد و در همین دنیا جوابش را میبینی، اما تعدادی نیز علاوه بر این اعتقادات، به انواع روابط نامشروع و خارج از فرهنگ اعتراف می‌کردند و یا اعلام می‌داشتند که در صورتی که زمینه آن فراهم شود، به آن دست رد نمی‌زنند.

مصاحبه‌شوندگان این تحقیق ادعا می‌کردند که روابط خارج از چارچوب باعث افزایش توقع پسران می‌شود. برخی دیگر از مصاحبه‌شوندگان نیز ادعا می‌کردند پیامد این ارتباطات شیوع بی‌اعتمادی نسبت به دختران است و به این ترتیب دیگر "همسری که قابل اعتماد باشد پیدا نمی‌شود".

تعدادی از مصاحبه‌شوندگان ادعا می‌کردند که پیامد ارتباطات خارج از چارچوب ازدواج رسمی و متداول عدم تشکیل خانواده و در نتیجه فقدان یا ضعف کارکردهای این نهاد به ویژه تولید نسل است. و دیگری معتقد بود که "اصلاً خانواده‌ای درست نمی‌شود و تولیدمثل متوقف می‌شود".

ب) دختران

ابعاد پدیده تجرد در میان دختران

تمامی مصاحبه‌شوندگان این پژوهش تمایل به ازدواج داشتند و یازده نفر از ۱۶ نفر آنها در سن ۱۸ سالگی یا قبل از آن خواستگار داشته‌اند. با تأمل بر آنکه تعداد خواستگاران از یک تا ۴۳ مورد متفاوت بوده است. به نظر برخی از مصاحبه‌شوندگان مناسب‌ترین سن ازدواج برای دختران بین ۱۸ تا ۲۶ سال بود. برخی دیگر معتقد بودند که نمی‌توان برای ازدواج سن مناسب تعیین کرد. به نظر این عده سن مناسب ازدواج توسط عواملی چون احساس نیاز، احساس آمادگی، بلوغ، پختگی و برخورداری از مهارت زندگی تعیین می‌شود. در این زمینه یکی از آنها ادعا می‌کرد سن مناسب ازدواج "برای افراد مختلف با ویژگی شخصی خودشان و نحوه تربیت خانوادگی یا حتی محل زندگیشان متفاوت است ... شاید یک نفر در سن ۱۸ سالگی آماده باشد ... اما خانمی در سن ۲۵ سالگی آماده نباشد". و دیگری معتقد بود که "بعضی از دخترها ... در سن ۱۶ - ۱۷ سال ... به بلوغ ... رسیده و می‌توانند از پس یک زندگی بر بیایند، ولی ... یک دختری در همان [سن] ... مثل بچه‌های ابتدایی است".

هر یک از مصاحبه‌شوندگان چندین هدف را برای ازدواج ذکر می‌کرد. به نظر اکثر قریب به اتفاق آنها هدف از ازدواج تربیت فرزندان برای جامعه و بقا و گسترش نسل است. علاوه بر این، یک عده از آنها معتقد بودند که هدف از ازدواج، رسیدن به آرامش و رشد و تکامل است.

اکثر مصاحبه‌شوندگان ادعا می‌کردند که حق انتخاب همسر آینده با خودشان است و خانواده نقش مشاور و راهنما را ایفا می‌کند. عده کمی نیز معتقد بودند که خانواده خواست خود را به دختران تحمیل می‌کند. در این زمینه یکی از آنها می‌گفت "خانواده‌ام ... می‌گفتند هر جور که خودت دوست داری. همه چیزها را در نظر بگیر و تصمیم نهایی‌ات را بگو". و دیگری می‌گفت "من دوست داشتم ازدواج کنم ولی وقتی ... با خانواده‌ام صحبت می‌کردم ... باعث می‌شد که نظرم برگردد". یکی دیگر ادعا می‌کرد "سنم [که] کمتر بود، [خانواده] سعی می‌کردند ... [دخالت کنند اما] ... حالا که سن بالاتر رفته همه چیز را به خودم محول کرده‌اند". دیگری می‌گفت که "بعضی مواقع، والدین و اطرافیان آن چیزهایی [را که] ملاک‌شان است [ولی] برای خود دختر و پسر [ملاک] نیست [را به آنها تحمیل می‌کنند] ... من و آن آقا توافق کرده بودیم که مهریه اصلاً مهم نیست ... [اما ازدواج ما] بهم خورد ... فقط بخاطر [عدم توافق خانواده‌ها در مورد] مهریه".

در مورد نحوه آشنایی با همسر آینده نیز دو نوع نگاه در میان مصاحبه‌شوندگان مشاهده شد. اکثر قریب به اتفاق آنها معتقد بودند که آشنایی باید سنتی باشد. یعنی پسر از طریق خانواده اقدام کند و سپس در چارچوب قوانین شرعی و تحت نظارت خانواده‌ها چند جلسه برای آشنایی بیشتر دختر و پسر برگزار شود. در این زمینه یکی از آنها می‌گفت که "من سنتی دوست دارم ... چون اسلام میگه ... از لحاظ محرم و نامحرم". عده معدودی از مصاحبه‌شوندگان هم معتقد بودند که داشتن ارتباطات دوستی نزدیک لازمه ازدواج است. یکی از آنها می‌گفت "ازدواج الان اگر قبلی ارتباط سالم داشته باشی و به یک شناخت کافی برسی، بعد مراحل عقد برسد ... می‌تواند کمک بزرگی باشد".

نقش ارزش "انتخاب کردن" در مجرد دختران

بر اساس یافته‌های این تحقیق علت اصلی مجرد دختران مصاحبه‌شونده، تأکید آنها بر انتخاب خواستگاران با استفاده از تعداد متنوعی از شاخص‌ها بود.

به نظر اکثر مصاحبه‌شوندگان این تحقیق، دلیل مجرد دختران "نبودن خواستگار مناسب و دلخواه" بود. برخی نیز "نپسندیدن و رفتن" خواستگاران را علت مجرد خود می‌دانستند. البته این عده نیز تأکید داشتند که تاکنون حداقل یک خواستگار را به دلیل نداشتن برخی از ملاک‌ها رد کرده‌اند. یکی از آنها می‌گفت "اولین ... خواستگاری که برای من ... آمد در حدود ۲۹ - ۲۸ سالگی [من] بود ... [او] کارمند بود ... از لحاظ ظاهر و اصالت خانوادگی پسندیده بودم. اما ایشان ... میخواستند دائما من زندگی مشترکی با مادرشان داشته باشم ... من فکر کردم که شاید تا آخر نتوانم". دیگری تأکید می‌کرد "من دوست دارم ازدواج کنم ولی با شرایط و ضوابطش ... اطرافیان ... می‌گویند سخت‌گیر هستی ولی من این سخت‌گیری را ترجیح میدهم به خفت‌ها و ذلت‌هایی که بعد از ازدواج به وجود می‌آید و سالیان سال باید تحملش کنم".

مصاحبه‌شوندگان معیارهای گوناگون و متعددی برای ازدواج داشتند که برخی از آنها عمومی و برخی دیگر اختصاصی بود. معیار عمومی، معیاری بود که وجودش لازم اما غیرکافی تلقی می‌شد. اصلی‌ترین معیار عمومی، معیار اقتصادی بود. در این زمینه یکی از آنها می‌گفت "یکسری آیت‌ها عمومی هست [که] همه افراد می‌خواهند طرف مقابلشان داشته باشد، کار خوب داشته باشد، درآمد خوب ... و دیگری ادعا می‌کرد "خیلی برای وضعیت اقتصادی من سخت‌گیری نمی‌کنم ... یک کارمند عادی باشد که با یک وضعیت اقتصادی متوسط، ولی همانی باشد که من قبولش داشته باشم، من مشکلی ندارم!" دیگری می‌گفت "یک خواستگار ... داشتم که ... پسر خیلی خوبی بود ولی می‌گفت من هیچی ندارم ... اگر بخواهیم باهم ازدواج کنیم باید در یک اتاق زندگی کنیم چون ... حقوقم خیلی کم است ... و من از این خیلی احساس رضایت نکردم چون احساس کردم یک جاهایی شاید احساس تنگدستی کنم".

معیارهای اختصاصی طیف متنوعی را در بر می‌گرفت. اما درصد قابل توجه و پرتکراری از آنها معیارهای فرهنگی - مذهبی بود که در قالب ملاک‌هایی چون اخلاق، ایمان در حد متوسط، اصالت خانوادگی، فرهنگ و نگاه به زندگی و آداب معاشرت بیان می‌شد.

نقش باورها و ارزش‌های اقتصادی در مجرد دختران

نقش باورها و ارزش‌های اقتصادی در مجرد دختران در دو مقوله وضعیت مالی خواستگار و جهیزیه قابل مشاهده بود. به نظر همه مصاحبه‌شوندگان داشتن شغل و درآمد شرط لازم برای ازدواج بود. اما دیدگاه‌ها در مورد ویژگی‌های کار و مشکلات مالی متفاوت بود. یک عده می‌گفتند حاضرند با مشکلات مادی بسازند، زیرا "روزی رسان خداست.. مادیات ... مهم نیست". عده دیگر می‌گفتند همسر آینده آنها باید کاری داشته باشد که "حداقل بیمه شده باشد یا حداقل ... اگر آزاد است یک چند سالی در آن کار باشد". یک عده هم شرطشان این بود که خواستگار بتواند "یک زندگی را اداره کند و بسازد".

برای تعداد معدودی از مصاحبه‌شوندگان احساس مسئولیت و برخورداری از جنم کاری مهم‌تر از دارایی‌های فعلی بود. در مورد میزان جهیزیه دیدگاه‌های متنوعی در میان مصاحبه‌شوندگان مشاهده شد. درصد قابل توجهی از مصاحبه‌شوندگان خواستار جهیزیه به اندازه نیاز بودند و دیگران بر جهیزیه کامل، به اندازه وسع و مطابق با عرف تأکید داشتند. همچنین به نظر برخی از مصاحبه‌شوندگان مشکلات مالی تهیه جهیزیه مانع ازدواج بود و به نظر برخی دیگر مانع محسوب نمی‌شد.

نقش سایر عوامل در مجرد دختران

مصاحبه‌شوندگان در کنار تأکید بر ازدواج با خواستگار مناسب، به عوامل دیگری نیز اشاره کردند که به مجرد در میان دختران دامن می‌زند. به نظر برخی از مصاحبه‌شوندگان، راحت‌طلبی و فقدان صبر و تمایل به آزادی و خوشگذرانی علت مجرد دختران بود. در این مورد یکی از آنها می‌گفت "من راحت‌طلب هستم ... نمی‌توانم دنبال نان بدم ... باید همه چیز آماده باشد ... نمی‌توانم سختی بکشم".

Policy Research on Singleness: a qualitative study

به نظر برخی از مصاحبه‌شوندگان علت تجرد دختران کاهش محدودیت‌هایی بود که در گذشته برای دختران مجرد وجود داشت. یکی از آنها می‌گفت " الان واقعا بین دختر مجرد و ازدواج کرده، دیگر خیلی [تفاوتی از نظر میزان محدودیت‌ها نیست و] محدودیتی نیست که [دختر مجرد] بخواهد [برای رهایی از آن] ازدواج کند".

دیدگاه‌ها و تجربیات دوستان و آشنایان عامل دیگری بود که به نظر برخی از مصاحبه‌شوندگان بر تجرد دختران اثر داشت. با تأمل بر آنکه اولاً دیدگاه‌ها و تجربیات برخی از دوستان مشوق ازدواج و دیدگاه‌ها و تجربیات برخی دیگر بازدارنده از ازدواج بود. دوماً، غالباً تأثیر این دیدگاه‌ها و تجربیات به صورت درس‌آموز و افزودن بر تعداد ملاک‌ها و شاخص‌ها بود. در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گفت "اکثراً [دوستان] می‌گویند خوش به حالت که بچه و شوهر نداری و آزاد و راحت هستی، ... هیچ استرس و مسئولیتی نداری".

راهکارهای دختران برای اداره پدیده تجرد

مصاحبه‌شوندگان هیچ اشاره‌ای به راهکار دختران برای پدیده تجرد نکردند. اما محققان بر اساس تفسیر و تحلیل مجموع دیدگاه‌های آنها به این نتیجه رسیدند که راهکار اکثر قریب به اتفاق آنها صبر منفعلانه است. به عبارت دیگر اکثر قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان هیچ برنامه یا راهکاری برای اداره پدیده تجرد نداشتند. با این حال اکثر آنها به سایر دختران توصیه می‌کردند که در انتخاب همسر سخت‌گیری نکنند و توقعات خود را کاهش دهند. یکی از آنها می‌گفت "به دخترها پیشنهاد می‌کنم وقتی پرسی می‌آید، خواستگاریشان، ازدواج را سخت نگیرند، ... گیرهای الکی ندهند، ...".

مصاحبه‌شوندگان این تحقیق در مورد پیامدهای راهکارهای فوق‌الذکر صحبتی نکردند. اما محققان با تحلیل یافته‌های مربوط به دیدگاه‌ها و راهکارهای پسران برای ازدواج و مجموع یافته‌های موجود در مورد پدیده تجرد در میان دختران، ادعا می‌کنند که نتیجه منطقی این وضعیت افزایش تجرد قطعی دختران و کاهش تشکیل خانواده است.

بحث و نتیجه گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر یک سیاست‌پژوهی بود و تلاش کرد به این سؤال پاسخ دهد که به نظر افراد مجرد علت تجرد چیست. یافته‌ها نشان داد که از میان انواع رویکردهای نظری در مورد تحولات ازدواج، مناسب‌ترین رویکرد برای تبیین پدیده تجرد، رویکرد فرهنگی - اجتماعی به طور عام (آقایی و طاهری بنچناری، ۱۳۹۲) و نظریه نوسازی (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶) به طور خاص است. این یافته مؤید یافته‌های تحقیقات مشابهی است که توسط جهانبخشی و فضل الهی قمشی (۱۳۹۵)، حبیب پورگنابی و غفاری (۱۳۹۰)، فیروز و همکاران (۱۳۹۳) انجام شده است. با این حال آنچه یافته‌های این پژوهش را از تحقیقات مذکور متمایز می‌کند، تبیین نقش پدیده دوفرهنگی در این زمینه است. تحقیقات مذکور تأکید دارند که علت پدیده تجرد، جایگزین شدن فرهنگ مدرن به جای فرهنگ سنتی است. این تحقیق نشان داد علت اصلی تجرد ایجاد پدیده دو فرهنگی و تبعات ناشی از آن است. پدیده دو فرهنگی ویژگی افرادی است که حداقل دو فرهنگ را درونی کرده‌اند، در مورد هر دوی این فرهنگ‌ها سر رشته دارند و به هر دوی آنها متعهد هستند (هیونج، نگوین و بنت، ۲۰۱۰).

نتایج پژوهش علاوه بر تحکم مدرنیته و تلفیق آن با سنتها، پرده از ویژگیهای روان‌شناختی دختران و پسران مجرد برداشت. به طور مثال، پسران نسبت به ازدواج دوسوگرایی آشکاری داشتند (هم آنها می‌خواستند و هم از آن می‌گریختند) اما دختران دیدگاه مثبتی به ازدواج نشان می‌دادند. پسران به عنوان راه‌حلی برای برطرف کردن نیازهای جسمی و لذت طلبی به ازدواج فکر می‌کردند و دختران برای اینکه صاحب فرزندی شوند، ازدواج را در اولویت زندگی خود قرار می‌دادند. پسران ازدواج غیر سنتی به همراه آشنایی پیش از ازدواج را ترجیح می‌دادند، اما دختران ازدواج سنتی را بیشتر می‌پسندیدند (که البته راه مطمئن‌تر و امن‌تری است).

پسران تمایل به دو قطبی کردن میل به جستجوی همسر را آشکار کردند. آنها رویکرد عاطفه‌گرایی و عاطفه‌زدایی را در پیش می‌گرفتند. یا فقط عواطف خود را در مورد انتخاب شریک زندگی دخیل می‌کردند (من برای ازدواج باید عاشق باشم) و یا معیارهای از پیش تعیین شده را بدون در نظر گرفتن عواطف به کار می‌بردند. دختران اما فقط رویکرد دوم را لحاظ می‌کردند. یکی از دلایل این امر ترس از اشتباه کردن است. همانطور که خود پاسخ دهندگان ابراز کردند، الگوهای پیش روی آنها، ناموفق و ناخشنود بودند و همین امر آنها را در انتخاب،

دچار ترس از شکست می‌نمود. برای پسران مسائل مادی به منزله هویت فردی بود اما جهیزیه برای دختران از چنین اهمیتی برخوردار نبود.

برخی از پسران در پژوهش، نیاز شدیدی به کنترل و تسلط بر همسر داشتند که این عامل آنها را برانگیخته و شکاک می‌کرد. در ضمن، پسران جایگاهی را برای روابط خارج از ازدواج به عنوان راه‌حل تا حدودی پذیرفته بودند، اگرچه هشیارانه آنرا نفی می‌کردند. اما دختران منفعلانه و با احساس درماندگی به وضعیت خود پاسخ می‌دادند. پسران به نسبت دختران، خودمحور بودند و نظرات خود را بر نظر خانواده مقدم می‌شمردند. دختران نظرات خانواده و اطرافیان را بیشتر به عنوان مشاوره و راهنمایی می‌پذیرفتند و به آن تن می‌دادند.

یافته‌های این مطالعه نشان داد که علت اصلی تجرد پسران تناقض میان باورها و ارزش‌های مدرنیستی در عرصه اقتصادی با باورها و ارزش‌های سنتی - مذهبی در مورد مسئولیت مالی مرد در خانواده است و علت اصلی تجرد دختران تناقض میان ارزش مدرنیستی انتخاب کردن همسر آتی با ارزش سنتی - مذهبی شیوه انتخاب همسر است.

هم در دختران و هم پسران، کمالگرایی و مرزگذاری برای انتخاب همسر مشهود بود. نگاه انسانی در هیچکدام از پاسخگویان مشاهده نشد. این برخاسته از نیاز این جوانان به تقویت درک دیگران به عنوان انسانی که نیازها و تجربه‌های خود را دارد، است. آنها همچنین از قبول مسئولیت هراس داشتند و آنرا به وضوح بیان می‌کردند که نشانگر ناپختگی هیجانی در آنها بود. در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گفت "فیلم سینمایی و بازی دنیای زیبا و لذت بخشی دارد. فقط کسانی که در آن رشد و بزرگ شدند، درک میکنند ... الان زندگی من بازی و فیلم و سینما و فوتبال و جام جهانی و اینجور چیزها است ... دغدغه من زن و ازدواج و دختر و بچه نیست ... الان یکی از اهداف ازدواج این است که به آرامش روانی برسی که لذت بیشتری از زندگی ببری و من با دیدن فیلم و بازی و فوتبال و سینما به آن لذت و آرامش و چیزی که می‌خواهم می‌رسم ... اینطور نیست که بگویم چون این ازدواج یا دختر نیست، آدم سمت این [بازی و سریال و...] چون اینها علاقه اصلی من است از بچگی با اینها بزرگ شدم و چیزی که به من حال می‌دهد و لذت می‌برم و احساس رضایت پیدا می‌کنم، این دسته است و چیزی هست که الان دارم و احساس نیازی نمی‌کنم که چیزی را جایگزینش کنم و شرایطش هم ندارم".

در مورد معیارهای ازدواج، به جز معیارهای اقتصادی، اکثر مصاحبه‌شوندگان به فرهنگ سنتی متعهد بودند. در مورد معیارهای مالی، اکثریت قریب به اتفاق دختران مصاحبه‌شونده با پیروی از فرهنگ مدرن ادعا می‌کردند که داشتن شغل و درآمد بسیار مهم است و عامل اصلی تأمین مخارج شخص آنها و فرزندان آینده‌شان، همسر آنهاست.

همه پسران مورد مطالعه در عرصه اقتصادی به فرهنگ مدرن متعهد بودند به گونه‌ای که تقریباً هیچ نشانه‌ای از تعهد به باورهای فرهنگ سنتی - مذهبی در آنها مشاهده نشد. این یافته مؤید یافته‌های سایر تحقیقات مذکور به ویژه تحقیق مرادی و صفاریان (۱۳۹۱) و صادقی و همکاران (۱۳۸۶) است.

نتایج بیانگر این است که علت اصلی تجرد در دختران نیز، تناقض میان فرهنگ مدرن و سنتی در شیوه همسرگزینی دختران است. به عبارت دیگر تناقض میان ارزش مدرن "انتخاب کردن" در مقابل صرف "انتخاب شدن" از یک سو و ارزش سنتی - مذهبی خواستگاری سنتی از سوی دیگر باعث ایجاد پدیده تجرد در دختران شده است. همه دختران این تحقیق اصرار داشتند که خودشان همسر آینده خود را انتخاب کنند. اصرار بر انتخاب کردن، به جای صرف انتخاب شدن، ویژگی فرهنگ مدرن است. با این حال اکثر قریب به اتفاق آنها تمایلی به استفاده از ابزارهای انتخاب در فرهنگ مدرن نداشتند و ترجیح می‌دادند انتخاب در چارچوب خواستگاری سنتی صورت پذیرد.

بر اساس یافته‌های این تحقیق بهترین سیاست برای حل مسئله تجرد در جمعیت مورد مطالعه، رفع چالش‌های ناشی از پدیده دو فرهنگی است. این مطالعه نشان داد که پدیده دو فرهنگی علت اصلی پدیده تجرد است. بنابراین رسیدگی به مسئله تجرد مستلزم توجه به چالش‌های فرهنگی مرتبط است. رسیدگی به این چالش‌ها بیش تر و یا حداقل به اندازه رسیدگی به چالش‌های اقتصادی مهم است. و برای تدبیر مسئله تجرد باید در کنار انواع سیاست‌های اقتصادی، سیاست‌های فرهنگی با توجه به ویژگی‌های روان‌شناختی دو گروه جنسیتی نیز مورد توجه قرار گیرد.

پدیده دو فرهنگی موجب شکل‌گیری ترکیب فرهنگی ناسازگاری شده است که قادر به ایفای کارکردهای مورد انتظار نیست. هر فرهنگ همانند یک سیستم است؛ سیستمی متشکل از باورها، ارزشها و مصنوعات مرتبط به هم که در کنار هم و در هماهنگی و سازگاری کامل با یکدیگر به نیازهای اعضای فرهنگ پاسخ می‌دهند. افراد مجرد مورد مطالعه آگاهانه یا ناآگاهانه بخش‌هایی از سیستم فرهنگی مدرن را با بخش‌هایی از سیستم فرهنگی سنتی - مذهبی ترکیب کرده‌اند. این ترکیب، یک ترکیب ناهمگون و متناقض است که نمی‌تواند نیازهای افراد متعهد به آن را تأمین و مشکلات آنها را حل کند. بقاء و تداوم این ترکیب نامتناقض فرهنگی در بلندمدت بعید به نظر می‌رسد و به

Policy Research on Singleness: a qualitative study

احتمال زیاد این ترکیب متناقض با غلبه یکی از فرهنگ‌های مدرن یا سنتی از بین خواهد رفت. با این حال، نگرانی از سیطره کامل فرهنگ مدرن بر فرهنگ سنتی در پدیده ازدواج و تجرد از یک سو و رفع مسئله تجرد در نسل حاضر از سوی دیگر ایجاب می‌کند که وزارت ورزش و جوانان با همراهی شبکه‌ای از سازمانها و نهادهای مربوطه، تدبیر پدیده دوفرهنگی را در دستور کار قرار دهد.

مطالعه فرهنگ مردم در شهرستانی سنتی، اگر اطلاعات خوبی فراهم می‌کند، اما نمی‌توان نتایج را به شهرهای دیگر و به خصوص کلان شهرها تعمیم داد. در پژوهش کیفی این خطر وجود دارد که پاسخ دهنده‌ها به دلیل نگرانی در مورد قضاوت قرار گرفتن، همه واقعیت را بیان نکنند. استفاده از آزمونهای فراقکن در آینده این محدودیت را برطرف می‌سازد. در پژوهش‌های آتی می‌توان جامعه دانشگاهی را مورد مطالعه قرار داد. با توجه به اینکه این پژوهش به صورت کیفی انجام شده است می‌توان نتایج حاصل از آن را در پژوهش‌های آتی به صورت کمی مورد آزمون قرار داد. پیشنهاد می‌شود در مورد پیامدهای مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ازدواج‌های دیرهنگام، پژوهشی صورت گیرد.

منابع

- آقایی، سعید و طاهری بنچناری، رؤیا. (۱۳۹۲). نگرش جوانان به تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در بالا رفتن سن ازدواج (مورد مطالعه: ناحیه ۲ و ۳ و منطقه ۴ تهران سال ۹۱). *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، ۳(۸)، ۷۵-۹۴.
- جهانبخشی، حیدرعلی و فضل الله قمشی، سیف‌اله. (۱۳۹۵). ریشه‌یابی و رتبه‌بندی علل افزایش سن ازدواج در بین دانشجویان. *دوفصلنامه علمی پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی*، ۳(۱۶)، ۱۵۷-۱۸۰.
- حبیب‌پور گنتابی، کرم و غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران. *زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)*، ۹(۱)، ۳۴-۷.
- صادقی، رسول؛ قدسی، علی محمد و افشار کهن، جواد. (۱۳۸۶). واکاوی مسأله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه‌حل. *پژوهش زنان*، ۵(۱)، ۱۰۸-۸۳.
- عباس‌زاده، محمد و نیکدل، نرمین. (۱۳۹۵). مطالعه بسترهای زمینه‌ساز تأخیر در ازدواج دختران با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی. *زن در فرهنگ و هنر*، ۸(۴)، ۱۹-۲۶.
- فولادی، محمد. (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی افزایش سن ازدواج؛ با تأکید بر عوامل فرهنگی. *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۵(۴)، ۱۰۴-۷۷.
- فیروز، زینب؛ کاظمی‌پور، شهلا و رنجبر، مرتضی. (۱۳۹۳). تعیین‌کننده‌های اجتماعی-جمعیتی افزایش سن ازدواج (دانشجویان زن تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های تهران). *زن در توسعه و سیاست*، ۱۲(۳)، ۴۴۹-۴۶۸.
- قلی‌پور، رحمت‌الله. (۱۳۹۶). *تصمیم‌گیری سازمانی و خطی‌مشی‌گذاری عمومی*. تهران: سمت.
- گال، مریدیت؛ بورگ، والتر و گال، جویس. (۱۳۸۳). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی (جلد دوم)*. ترجمه احمدرضا نصر اصفهانی و همکاران، انتشارات: سمت.
- مرادی، گل مراد و صفاریان، محسن. (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی و اقتصادی مرتبط با افزایش سن ازدواج جوانان (مطالعه موردی شهر کرمانشاه). *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، ۳(۷)، ۸۱-۱۰۸.
- میرزمانی، اعظم؛ اسحاقی، محمد؛ کدخدای، نرگس. (۱۳۹۸). *راهنمای عملی تهیه پیش‌نویس برنامه‌های ملی با تأکید بر بهبود اجرا*. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- Anderson, J. E. (2011). *Public policy-making*. New York: Holt, Rinehart and Winston.
- Campbell, R. A. (2016). Faithful expressions of singleness and the divorced minister. *Archives of General Psychiatry*, 43(8), 786-794.
- Francioni, F. (2020). From Global History to the Singleness and Uniqueness of the Lands. *Environment, Social Justice, and the Media in the Age of the Anthropocene*, 103(1): 44-50.
- Guilmoto, C. (2012). Skewed Sex Ratios at Birth and Future Marriage. *Demography*, 49(1): 77-100.
- Himawan, K. K., Bambling, M., & Edirippulige, S. (2018). Singleness, religiosity, and the implications for counselors: The Indonesian case. *Europe's journal of psychology*, 14(2), 485.
- Hjorthøj, C., Uddin, M. J., Hougaard, D. M., Sørensen, H. J., & Nordentoft, M. (2019). Polygenic risk for psychiatric disorder and singleness in patients with severe mental illness and controls. *Journal of psychiatric research*, 119, 60-66.
- Huynh, Q. L., Nguyen, Angela-Minh, Tu. D., & Benet, M. V. (2010). *Bicultural Identity Integration*. In Wetherell, M and Mohanty, C.T. (Editors), *The Sage Handbook of Identities*. Sage. 138.
- Jiang, Q., Feldman, M., and Li, S. (2014). Marriage Squeeze, Never-Married Proportion. *Popul Res Policy Rev*, 33(2): 189-204.
- Simpson, R. (2016). Singleness and self-identity: The significance of partnership status in the narratives of never-married women. *Journal of Social and Personal Relationships*, 33(3), 385-400.